

مقدمه بی بر
طرح دوباره
جامعه‌شناسی
آموزش پرورش (۱)

آموزش پرورش بخش مهمی از بار جریان اجتماعی کردن را به دوش دارد، به همین دلیل از ابتدای تکوین علم جامعه‌شناسی محل اعتنا و توجه بوده است. از آنجا که گاستن از نابرابری اجتماعی و نزدیک شدن به عدالت اجتماعی و رفاه و اشاعه تخصص و مهارت‌های فنی به تومار وظایف دولت افزوده شد، آموزش پرورش که وسیله مهم تحقق این مقاصد تلقی می‌شد، دوباره اذهان دانشمندان اجتماعی را به خود جلب کرد. بخصوص که دیدگاه‌های انتقادی در فلسفه و علوم انسانی، مفروضات این دیدگاه‌ها و نتایج آنها را به انتقاد می‌گرفت.

این مقاله این دیدگاه‌های انتقادی را مورد بحث قرار داده و چنین عنوان کرده است که در قلمرو جامعه‌شناسی آموزش پرورش جدید دو نوع مسئله تشخیص داده می‌شود که اولی ناظر به مشروعیت محتوای آموزش پرورش (شناخت ایدئولوژی آموزش پرورش) است و دومی در ارتباط با کنش متقابل میان معلم و شاگرد در کلاس است. آقای "علی‌ذکاو تی قراگزلو" با بهره‌گیری بسیار از مقاله "بیل ویلیام سن" (Bill Williamson) تحت عنوان:

"Continuities and Discontinuities in the Sociology of Education."

این مقاله را به انجام رسانده‌اند.

دیر زمانی است که آموزش پرورش مورد توجه و علاقه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. مطالعه آموزش پرورش، هم برای "امیل دورکیم" (Emile Durkheim) و هم برای "کارل مانهایم" (Karl Mannheim)، اشتغال ذهنی مهمی بود. و فوف به

نامه پژوهشکده
سال چهارم، شماره ۲-۱
بهار و تابستان ۱۳۵۹

این حقیقت که نهاد های آموزش پرورش به عنوان عوامل کنترل اجتماعی ، دگرگونی فرهنگی و حتی گزینش اجتماعی ، در بسیاری از جامعه ها ایفاگر نقش پراهمیننی هستند ، ریشه اصلی علاقه این دو جامعه شناس به آموزش پرورش بود . از آن زمان به بعد ، آثار مکتوب در زمینه نقش آموزش پرورش ، بی اغراق ، به صورت یکی از موفق ترین رشته های تخصصی جامعه شناسی در آمده است . آنچه مایه مسرت بسیاری از جامعه شناسان شده است ، اینست که دست کم در تئوری پیوند حیاتی آموزش پرورش با طبقه اجتماعی گسیخته است ، اگر چه ممکن است تنها شمار اندکی از جامعه شناسان از فرط مسرت ، بپذیرند که پهنه عمل نیز چیزی شبیه به برابری فرصتها در آموزش پرورش ، تحقق یافته است .

جامعه شناسی آموزش پرورش در حال حاضر وضعی انتقالی دارد و قالب های تئوریک آن از نو طرح ریزی می شوند . این اندیشه که کارست چشم انداز های نظری گوناگون ، چون پدیدار شناسی ، کنش متقابل سمبولیک و روش شناسی قومی " اتنو متودولوژی " (Ethno Methodology) در مسائل آموزش پرورش ، چه نتایج بالقوه ای می تواند داشته باشد ، شوری وصف پذیر به پا کرده است . امید است که پرسش های جدیدی در مورد مسائل قدیمی تر پیش کشیده شود و مسائل نوئی ، شناسائی گردد . کتاب هایی که " ر.ک . براون " (R.K. Brown) و " م. یانگ " (M. Young) ویراسته اند ، با آنکه نویسندگان در این کتابها هر چند مقاله اساسی را در شرح و توضیح این چشم انداز های نو به رشته تحریر در آورده اند ، تنها گوشه ای از سیمای کلی آنها را ترسیم کرده اند .

جامعه شناسی آموزش پرورش شبی نیست ، یویش است ، مجموعه ای از منابع و مآخذ یاراه حل های مسائل نیست ، فرآیندی از تحقیق ، نوشتار ، بحث و تدریس است که در مؤسسات گونه گون بسیاری جریان دارد . وضع انتقالی ، که بیشتر به آن اشاره رفت ، در متن زمینه هایی چنین گونه گون ، پیش می رود . در این میان ، آن دسته از مفروضات که این کوشش برای جامعه شناسان اندیشیدن در باره آموزش پرورش بر آنها استوار است ، نیز تن به دگرگونی داده اند . در حقیقت ، امروزه در انگلستان شاید هیچ کرسی دانشگاهی نتوان یافت که از این وضع انتقالی تاثیر نپذیرفته باشد . " جامعه شناسی آموزش پرورش جدید " در برخورد با این مسئله به شیوه خاص خود ، نمونه بسیار حالیی از دگرگونی برنامه درسی ارائه می دهد که خود نیاز به تحلیل دارد .

در باره نتیجه چنین تحلیلی پیش داوری نمی توان کرد ، اما من آنرا دست کم در واریسی توشه فکری مان سودمند می دانم . در هر نوآوری فکری ، این خطر نهفته است که اهمیت الگوهای پیشین دست پائین گرفته شود و یا به نگرش های جدید ، بهای بسیار داده شود ،

و این خطر در مورد جامعه شناسی آموزش پرورش جدید ، بسیار جدی است . بسیاری از مطالب آن در حقیقت به جدید است و نه روشنگر . وانگهی ، ذریبط بودن بعضی چشم اندازها را که حتی در بررسی مسائل به اصطلاح جدید آن نیز به کار گرفته شده اند ، می توان مورد سؤال قرار داد .

بحث حاضر چهار مرحله دارد . نخست کوشش خواهیم کرد دریافت خود را از جامعه شناسی آموزش پرورش جدید در طرحی شتابزده ترسیم کنیم . از اینرو ، لازم می آید که در قدم بعدی ، چشم انداز های جدیدی را که این نظام علمی در جستجویشان است بیان شود . در مرحله سوم در باره علل پیدایی وضع انتقالی مورد بحث ، چند فرضیه ارائه می دهیم و می کوشیم نتان دهم که تحولات جدید ، ویژگی های اصلی شان را از کجا دارند . و سرانجام این پرسش را که الگوهای پیشین بالقوه چه امکاناتی برای توسعه بیشتر داشته اند ، بررسی خواهیم کرد . این پرسش ، طبعاً " به ملاحظه " این امر می انجامد که به راستی الگوهای نو تا چه اندازه " نو " اند .

دریافت من از جامعه شناسی آموزش پرورش جدید ، کمابیش همان نقطه نظرهایی است که " م. یانگ " در کتاب " دانش و کنترل " ارائه داده است .

در این کتاب ، کوشش شده است تا با بهره گیری از نظریات " مازکس و بر " ، " امیل دورکیم " و " جورج هربرت مید " (G.H. Mead) ، نوع پرسش هایی که جامعه شناسان باید درباره آموزش پرورش مطرح کنند ، دوباره تعریف شود . نقطه آغاز این کوشش ، توجه به نظریه ای است که هم " یانگ " و هم " بازیل برنشتاین " (Basil Bernstein) به شرح آن همت کرده اند . اساس این نظریه ، جامعه شناسان ، زمانی بس دراز تعریف مستولان اجرائی را از " مسئله " در مطالعه آموزش پرورش ، پذیرفته اند . نتیجه اینکه مسائل مهم مربوط به شیوه انتخاب و انتقال " دانش " (Knowledge) در مدرسه مسکوت مانده و مطالعه فرآیند اجتماعی شدن در مدرسه ، بنابه ادعای " برنشتاین " ، از برخوردی سطحی فراتر نرفته است . به نظر من دو ، دیگر مدرسه را نمی توان به سادگی نهادی " آدم - ساز " (People - Processing) دانست که در آن " درون - داد " (Input) انتخاب و درجه بندی می شود تا اطمینان حاصل آید که " برون - داد " (Output) آنطور که باید و شاید برابر خواهد بود . چرا که مدرسه بیش از هر چیز ، عامل انتقال فرهنگی و کنترل اجتماعی است . با این مقدمه پیش کشیدن پرسش هایی در باره اصول حاکم برگزینش دانش قابل انتقال به نسل آینده ، امکان پذیر می شود .

اینک ، می توان پویش های کنش متقابل میان شاگردان و معلمان را ، پویش های ساختمان واقعیت و " شکل گیری " (Formation) هویت قلمداد کرد . از این دیدگاه ، سنیر اصلی

در کلاس درس، سنیز بر سر مشروعیت آنچه که تدریس می‌شود، است و نیز بر سر "تصور از خود" (Self- Conception) و هویتی که به افراد ارزانی می‌شود. آموزگاران از این دیدگاه، مربیان معصومی نیستند که به سهم خود کودکان را در امر یادگیری، بیاری می‌دهند. آنان تا زمانیکه از پدیرش اصول حاکم بر عملکرد مدرسه سر باز نزده‌اند، عاملان کنترل اجتماعی‌اند و کارشان پروراندن "الگوهای شناختی" (Cognitive Patterns) کودکان به طریقی است که توانایی مخالفانندیشی را از آنان سلب کند. آموزگاران، سازندگان جهان‌اند، نه ویران کنندگان آن و پیشه‌آنان کنترل‌اندیشه است.

"بازیل برنشتاین"، در مقاله خود، برای مطالعه، فرآیند اجتماعی شدن در مدرسه زبان جدیدی طرح می‌کند که مفاهیم اصلی آن از "دورکیم" گرفته شده است. در این مقاله، نقش برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و نظام سنجش در فرآیند اجتماعی شدن مورد توجه است و از اینجا، مستقل و حتی خنثی و بی‌طرف دانستن ساخت مدرسه در نظام اجتماعی نفی می‌شود.

جامعه‌شناسی آموزش پرورش جدید عمدتاً "درگیر دو نوع مسئله است: مسئله اول، دانشی است که انتقال آن از راه مدرسه مناسب قلمداد می‌شود. به اعتقاد "بانگ"، برای شناخت ساخت قدرت در جامعه باید بردانستنی‌های خود در باره "گزینش دانش در نظام آموزش پرورش بیغزاعیم، مسئله دوم، که پرچاذه‌تر از اولی می‌نماید، ساخت کنش متقابل میان معلم و شاگرد در کلاس درس است.

یکی از ویژگی‌های جامعه‌شناسی آموزش پرورش جدید آن است که بسیاری از بدبهبی‌انگاریهای معنفدان به آموزش پرورش را در مورد مدرسه و آموزش پرورش مورد انتقاد قرار داده است. مهمتر آنکه این نوع انتقاد و پرداختن به مسائل بنیادی، از نظریه‌های جامعه‌شناختی مابیه می‌گیرد و این چیزی است که جامعه‌شناسی آموزش پرورش قدیم از آن بی‌بهره بود. بهمین دلیل، در بینش‌های جدید از تجربه‌گرایی نگرش‌های پیشین و مصلحت‌گرایی سیاسی آنها دیگر نشانی مشهود نیست و به سیاست‌های آموزش پرورش توجهی نمی‌شود. اگر چه این امر به معنای بی‌توجهی به بنای اجتماعی سیاست‌های اجتماعی نیست.

اینک به مرحله دوم بحث خود می‌پردازیم. عبارت "جامعه‌شناسی قدیم" مشخصاً برینش‌گروه کوچکی از نویسندگان دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اشاره دارد. این نویسندگان چگونگی "تداوم" (Persistence) الگوهای نابرابر را مورد توجه قرار دادند و آن را به صورت یکی از مهمترین مباحث روز در آوردند. نویسندگانی چون "ج. دبلیو. ب. داگلاس" (J.W.B. Douglass) و "ا. ه. هلسی" (A.H. Halsey) نشان دادند که به رغم

خوشبینی افکار عمومی، نابرابری‌ها در آموزش پرورش نه تنها همچنان تداوم یافته‌اند بلکه آن چنان بنیادی‌اند که محاصره آنها جز از راه توزیع عادلانه منابع و دگرگونی ریشه‌ای و جنبه نظرهای اجتماعی نسبت به آموزش پرورش امکان پذیر نیست. کار این دو نویسنده، در برنامه‌های تربیت معلم و نیز سیاست‌های اجتماعی نفوذ چشمگیری داشته است و از این جهت کمتر کسی را یارای برابری با آنهاست.

کسانی چون "هلسی" و "داگلاس"، بیش از هر چیز، به دو موضوع توانان عدالت اجتماعی و کارآیی آموزش پرورش توجه داشته‌اند و دارند، از اینرو، کار آنان را بخشی از سنت "ریاضیات سیاسی" (Political Mathematics) در انگلستان می‌توان به شمار آورد. خواست اصلی آنها آنست که سیاست‌های آموزش پرورش بر پایه شناخت حقایق اجتماعی "نابرابری" (Inequality) و "تفاوت‌ها" (Inequal Provision) بناگردد. آنها در آرزوی نظامی سوسیال دمکرات‌اند که در آن، انسان‌ها از برابری بیشتری برخوردار باشند.

اشاره به سه نکته در باره این سنت تحقیقاتی ضرور است: نخست آنکه، جامعه‌شناسی قدیم، به نظر من با نفی تقدیری بودن نابرابری‌ها در آموزش پرورش و تکیه بر پیش فرض‌های اقتصاد بازار اجتماعی در فهم رابطه میان طبقه اجتماعی و فرصت‌های آموزش پرورش، تلویحا "فائل به نوعی تئوری چندگانه" (Pluralistic) قدرت اجتماعی است و از این جهت تفاوت آن با جامعه‌شناسی آموزش پرورش جدید بسیار ناچیز است. دوم آنکه، گرایش زیاد به پراگماتیسم، آن را از جامعه‌شناسی جدید، که با این خصیلت به کلی بیگانه‌است، متمایز می‌کند. این گرایش، بیشتر از روابط بسیار نزدیک جامعه‌شناسان آن دوره با شخصیت‌ها و مراجع تصمیم‌گیری ناشی می‌شده است. در حقیقت بسیاری از تحقیقات و مطالعات این گروه از جامعه‌شناسان، به سفارش مقامات سیاسی انجام می‌گرفت. بدون توجه به این نوع روابط، شناخت دقیق ویژگیهای جامعه‌شناسی انگلستان، امکان پذیر نیست. سوم آنکه، سیاست‌های اجتماعی ملهم از این نحوه تفکر، همه به گونه‌ئی با شکست روبرو شده‌اند و دیگر کسی را امید آن نیست که افزایش تعداد مدارس و تشکیل مدارس جامع، نابرابری‌ها را در آموزش پرورش از بین ببرد. "هلسی"، خود، این سیاست‌ها را "لیبرال" می‌نامد و در توجه شکست آنها، نارسایی تئوری یادگیری را عنوان می‌کند. او با تجدید نظر در پاره‌ئی از دیدگاه‌های پیشین خود، موفقیت هر سیاستی را در جهت گسستن پیوند میان موفقیت تحصیلی و پایگاه طبقاتی، موکول به تحقق دگرگونی‌های بنیادی‌تری در سطوح اجتماعی دیگر می‌داند.

جامعه‌شناسی جدید بی‌گمان از تاثیر تجربه تلخ شکست اصلاحات آموزش پرورش در

(Mass Education) را در بریتانیا با تحولات اقتصادی وایدئولوژیک ناشی از صنعتی شدن، مرتبط نشان دهند.

آنان در حالی به تحلیل امر تهیه و "تدارک" (Provision) آموزش پرورش می‌پردازند که آنرا "خط انکسار" (Fraction Line) بین نیروهای اقتصادی وایدئولوژیک-متعارض می‌دانند: بین نیاز به پشتکار و "فرمان‌بری" (Docility) نیروی کار از یکسو و از سوی دیگر، نیاز به درجه‌یی از تحرک آموزشی پرورشی - که هم پاسخگوی خواست‌های سیاسی طبقه کارگر باشد و هم نیاز صنایع را به نیروی انسانی ماهر (Trained) برآورد - .

اگر آنچه تا کنون در باره نیاز به مطالعات تاریخی گفته‌ام درست باشد، بر نکته دیگری تاکید می‌توان کرد و آن اینکه نوع تحقیق پیشنهادی من عمدتاً "درگیر ارتباط میان آموزش پرورش و طبقه اجتماعی است، چرا که تنها از این راه است که تاثیر گروه‌های اجتماعی مختلف با قدرت‌های مؤثر اجتماعی مختلف را بر آموزش پرورش، می‌توان "ارزیابی" (Assess) کرد.

سرانجام باید گفت جستجو در "وضع‌های" (Situation) با دگرگونی گونه‌گون برای یافتن کزیری برابری برای آموزشی پرورشی، همانقدر سبک سرانه است که تلاش برای کشف ساخت قدرت از راه مطالعه "برنامه تحصیلی" (Syllabus) . پوچی اینگونه تلاش‌ها، در مورد اول زاده آگاهی از شکست محتوم است و در مورد دوم ناشی از گرایش بیشترش به نوعی "رادیکالیسم" (Radicalism) تردیدآمیز. در آخر کار نیز این هر دو مورد به مشکل واحدی می‌رسند و تا زمانیکه جامعه ما به رفتار و پادوی مغازه نیاز دارد و گروه‌هایی از مردم قدرت آن را دارند که فرزندان خود را برای همیشه از اینگونه مشاغل به دور نگه‌دارند، این مشکل همچنان باقی خواهد بود. از این دیدگاه، جامعه‌شناسی جدید را باید نوعی روانشناسی اجتماعی رادیکال دانست که هرگاه محصور در کلاس درس باشد از ارج چندانی برخوردار نخواهد بود و یا حرکتی "نیم‌خیز" است در جهت پیش کشیدن پرسش‌های جدید در مورد مسائل قدیم با این فرض ضمنی که آموزش پرورش، نهادی خود مختار است .

زیرنویس‌ها

۱ - در تهیه این مقاله از منبع زیر استفاده شده است :

Michael Flude and John Ahier, (ed), *Educability, Schools and Ideology*, "Continuities and Discontinuities in the Socio-

logy of Education" by Bill Williamson Croom Helm, London, 1976, pp.3 - 14.

۲ - "فیلیپ آبرامز" (Philip Abrams) ، با اشاره به مفاهیمی که در جامعه

شناسی برای برخورد با مسئله قدرت به کار گرفته می شود ، می نویسد :

"جامعه شناسی سیاسی ، با انبوهی از مفاهیم به پیش از ما می آید: البت (Elite) قدرت ، البت فونکسیونل ، البت استراتژیک ، افشار حاکم ، "افشار مسلط" (Dominant Strata) غیر حاکم ، طبقات حاکم ، طبقاتی که "سیادت" (Hegemony) خود را اعمال می کنند ، گروههای دارای حق وتو ، گروههای مو تطفه ، اجرائی و بسیاری دیگر از اشکال قابل تصور ساخت قدرت. و این در حالی است که نوع تحقیق "تجربی" علمی (Empirical) که توامان مطالعات ساخت قدرت است ، امکان داوری در باره مدعا های نویسندگان مختلف را از ما سلب می کند. بدین سان گروهی از نویسندگان ، از وجود یک طبقه حاکم در انگلستان سخن می رانند و گروهی دیگر ، قائل به وجود طبقه برتر ولی غیر حاکم اند و سرانجام گروه سومی ، طبقاتی بودن حکومت را نفی می کنند. اما مسئله اینجاست که اگر ما اصرار داشته باشیم برای پرسش های خود ، پاسخ هایی بیابیم که قویا و منحصرا در بستر زمان حال جا داشته باشند ، هیچگاه برای پرسش هایی چون : "آیا در انگلستان طبقه حاکمی وجود دارد" پاسخی رضایتبخش نخواهیم یافت . تحلیل ساخت قدرت ، بناگزیر باید تاریخی باشد ، چنین تحلیلی لاجرم باید فرایندهای "تملک" (Appropriation) دفاع (Defense) ، "از دست دادن" (Loss) ، "همسازی" (Adjustment) و "تضعف" (Aggrandizament) را مورد مذاقه قرار دهد و به بیان دیگر ، اصول حاکم بر "مکانیسم" (Mechanics) شکل گیری ساخت ها در طول زمان را بر دایره بحث بریزد. و نه اینکه تنها به الگوهای توزیع - آنهم جدا و گسسته از "عمل در زمان" (Temporal Action) - بپردازد. بدین ترتیب ، این حقیقت که فن (تکنیک) های تحقیقی ما با این نوع تحقیق - که مورد انتقاد است و نه آن نوع که پیشنهاد می شود سازگار است ، عذری نمی تواند باشد ، هر چند ، بسیاری می گویند تا با پیش کشیدن آن ، ماهیت مسئله اصلی را بیوشانند. " از : نطق افتتاحیه ، انتشارات دانشگاه " دورهام " (Durham) ، سال ۱۹۷۲ .

ترجمه علی ذکاوتی قراگزلو

را که توسط آقای "دکتر اصغر عسگری خانقاه" استادیار دانشگاه تهران ، از زبان فرانسه ترجمه شده است ، و دارای کلیهٔ واژه های متداول در مردم شناسی است ، به طور منظم چاپ خواهد کرد تا بدینوسیله دانشجویان و پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی از چگونگی کار برد دقیق واژه‌ها و مفاهیم آن در مردم شناسی ، و نیز درجهٔ اختلاف یا هماهنگی و تطابق آنها با واژه های مشابه در جامعهٔ شناسی ، آگاهی بیشتری یابند . باشد که در این راه خدمتی به جامعهٔ دانش‌پژوهان ، به ویژه به پژوهشگران مردم شناسی و جامعه شناسی که آگاهانه در راه پیشبرد اهداف علوم اجتماعی کام بر می‌دارند ، ارائه شده باشد .

*

علامت اختصاری

All.	:	آلمانی .
Angl.	:	انگلیسی .
Ant.	:	متضاد .
Syn.	:	مترادف .
Ep.	:	همسر (زن) .
Fe.	:	دختر .
Fr.	:	برادر .
Fs.	:	بسر .
Ho.	:	شوهر .
Me.	:	مادر .
Pe.	:	پدر .
Sr.	:	خواهر .
V.	:	نگاه کنید به .
